

بررسی هنجارگریزی دربخشی از اشعار نزار قبانی

حمیدرضا مشایخی^۱

سیده زینب خدادی^۲

چکیده

اثر ادبی نوشته‌ای است که در آن زبان متداول باروش‌ها و تمهیداتی که شاعر به کار می‌برد به هم میریزد تا زبانی ناآشنا با نظامی جدید به وجود آید و این همان چیزی است که از آن به آشنایی زدایی تعبیر می‌شود این نوع کاربرد، زبان را از حالت کاربرد اعتیادی بیرون می‌آورد و باعث برجسته شدن خصوصیت‌های آن می‌شود. از نظر ساختار گرایان هنجارگریزی یکی از موثرترین روش‌های برجستگی زبان و آشنایی زدایی در شعر است که بسیاری از شاعران از آن بهره برده اند. در ادبیات معاصر عرب به دنبال شرایط حاکم بر جامعه بعد از جنگ جهانی دوم و تأثیراتی که زبان و فرهنگ کشورهای اروپایی بر اعراب داشتند شاعران بسیاری به این شیوه اهتمام ورزیده اند و زبان شعر خود را متفاوت از قبل بیان کرده اند. یکی از شاعرانی که از هنجارگریزی در جهت برجسته سازی اشعار خود بهره برده است نزار قبانی است. وی با تأثیر از فرهنگ و ادبیات غربی و نگاه نافذ به میراث شعر عربی در جهت هنجارگریزی آوایی، معنایی، واژگانی، سبکی، و... گام‌های موثر در زبان شعری برداشت. از اینرو این جستار در پی بررسی انواع هنجارگریزی قبانی در دیوان شعری «الرسم بالكلمات» است.

واژه‌های کلیدی:

^۱ - استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران. رایانامه: Hrm.Hamid@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی.

آشنائی زدایی، برجسته سازی، هنجارگریزی، نزار قبانی.

مقدمه

در آغاز قرن بیستم روند مطالعه زبان دستخوش تحول و دگرگونی عظیمی گشت. آغاز این دگرگونی با آموزشهای زبان شناس سوئیسی فردیناند سوسور^۱ همزمان گردید. آنچه سبب شد تا سوسور بتواند عرصه گسترده‌ای را در بررسی‌های زبانی بگشاید طرح مساله تمایز هادر بررسی و مطالعه زبان است که در صدر همه آنها باید از تمایز زبان و گفتار، تمایز دال و در زمانی، محور جانشینی و همنشینی یاد کرد. (امامی، ۱۳۸۲، ۱۲)

آموزشهای سوسور پیش از همه بر فرمالیست‌ها اثر گذاشت. گرچه فرمالیسم خود دقیقاً نوعی ساختارگرایی نیست اما فرمالیسم متون ادبی را از دیدگاهی ساختاری می‌نگرد و با رها کردن مصداق، بررسی خود نشانه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و در پی دستیابی به مبانی برای نظریه ادبیات است. آنچه مشخصه زبان ادبی بود و آن را از زبان معیار متمایز می‌کرد این بود که زبان معمول رابه روش‌های گوناگون تغییر می‌داد، پس زبان غریب می‌شود به تبع آن دنیای معمول ناآشنا می‌نمود.

هنجارگریزی انحراف یا خروج از هنجارهای پذیرفته شده در محور زبان است که در صورت کاربرد مناسب می‌تواند هنری باشد که به برجسته سازی در زبان بیانجامد و به هنجارهای خودکار شده زبان که دیگر قادر به انتقال زیبایی نیستند خاتمه دهند. (سلاجقه، ۱۳۸۴، ۵۰)

در ادبیات عربی شاعران بعد از جنگ جهانی دوم به جریان نوگرایی روی آوردند و به رد بسیاری از هنجارهای پذیرفته شده شعروثر پرداختند. نخستین کسانی که به

^۱) De Saussure Ferdinand (۱۸۵۷-۱۹۱۳)

نوگرایی در ادبیات عربی پرداختند بدرشاكرالسياب و نازك الملائكه بودند. (عباس، ۱۳۸۴، ۶۰)

نزار به تبع ایشان و به دنبال تأثیراتی که از فرهنگ کشورهای اروپایی پذیرفته بوده شکستن هنجارها و قواعد موجود در زبان پرداخت. او با استفاده از این هنجارگریزی در پی دست یافتن به زبان شعری دیگری بود که بیان کننده نگاه تازه او است تا شعرش بازتاب عقایدش و نمودار حالات و روحیات تازه جویان باشد. هنجارگریزی در شعر نزار قبانی از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. او از ترکیبات جدید واژگانی در شعر خود بهره جسته، قواعد نحوی زبان معیار را رعایت نکرده، از نظر آوایی کلمات را به گونه ای به کار برده که در زبان معیار متداول نبوده. مواردی در شعرش موجود است که نشانگر این است که وی از هنجارگریزی نوشتاری استفاده کرده است، او نیز از تعبیری جدید بهره جسته که در برگیرنده تشخیص، پارادوکس، غیره می‌باشد، کلماتی از زبان محلی خود را در شعرش آورده و کلمات و الفاظ اشعارش به افکار عامه مردم بسیار نزدیک است، هم از نمادها و اسطوره‌هایی بهره جسته که پیشتر در زمان متداول بوده اند.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقی در زمینه هنجارگریزی در اشعار نزار قبانی صورت نگرفته است اما در زیر به برخی موارد که زمینه مشترکی با این تحقیق دارند اشاره می‌شود:

- محدثه مزروعی در مقاله ای با عنوان «نزار قبانی شاعر سوریه» به این مسئله می‌پردازد که نزار قبانی شاعری است که شعر را از قید و بند قافیه آزاد کرد و توانست از قواعد کلاسیک ادبیات عرب رهایی یابد و شعرش را در سبکی نو ارائه دهد.

- بروین حبیب در کتاب «تقنیات التعبير فی شعر نزار قبانی» به بررسی برخی از فنونی می‌پردازد که نزار با استفاده از آن به شعرش رنگ هنری بخشیده است.

حیبب کشاورز در مقاله ای با نام «استلهم التراث فی شعر نزار قبانی» اشاره دارد به اینکه نزار قبانی با استفاده از تلمیح و تضمین توانسته به بیان آراء و عقاید کهن رایج در میان اعراب بپردازد.

این مقاله بر آن است تا به بررسی هنجارگریزی‌های نزار قبانی بپردازد و چگونگی استفاده وی از این هنجارگریزی‌ها در جهت آشنائی زدایی شعر خود را باز نماید.

۱- آشنائی زدایی

کار اصلی هنر، تغییر در واقعیت است و هدف زبان ادبی نیز تغییر در عاداتهای احساسی و ادراکی است که به دلیل استعمال زیاد به عادت تبدیل گردیده از این رو شاعر باید بتواند به کمک عناصر ادبی از واقعیت‌ها برداشتی متفاوت عرضه کند و دیدی جدید و غیر فرسوده به ما بدهد و به بازسازی درکمان از واقعیت بپردازد به گونه ای که ما شروع به دیدن جهان کنیم به جای آن که با کرختی آن را شناسایی کنیم. آشنائی زدایی که از ارکان اصلی مکتب فرمالیسم روس است دلالت بر ناآشنا ساختن واقعیت مألوف و شناخته شده دارد تا به جای شناسایی صرف، به درک واقعی امور نایل آئیم. آشنائی زدایی شامل تمهیدات و شگردهایی است که زبان شعر را برای مخاطبان بیگانه می‌سازد و با عاداتهای زبانی مخاطبان مخالفت می‌کند، این نوع تمهیدات در همه آثار ادبی موجب تغییر شکل و دگرگونی می‌شود و زبان معمول را ناآشنا می‌کند.

(علوی مقدم، ۱۳۸۱، ۱۰۷)

از نظر فرمالیست‌ها شاعر از شگردهای زبانی بسیاری در جهت آشنائی زدایی بهره می‌برد: ۱- نظم و هم نشینی واژگان در شعر که بنیان آن آهنگ و موسیقی واج‌هاست. ۲- مجازهای بیان شاعرانه (استعاره، انواع مجاز، کنایه، تشبیه، حس آمیزی) ۳- ایجاز ۴- کاربرد واژگان و ساختارهای نحوی کهن ۵- کاربرد صفت به جای موصوف ۶- ترکیب‌های معنایی جدید ۷- ساختن واژگان ترکیبی جدید (احمدی، ۱۳۸۶، ۵۹-۶۰)

شاعر با استفاده از این شگردها اثرش را در شکلی تازه ارائه می‌کند شکلی که ارزش ادبی و زیبایی شناسی دارد و می‌تواند زنگ عادت را از نگاه خواننده بزداید و دیدی نو نسبت به پدیده‌ها به او بدهد.

از نظر فرمالیست‌ها شاعر از آشنائی زدایی در جهت برجسته سازی زبان خود بهره می‌گیرد، بدین وسیله در خودکاری زبان وقفه ایجاد می‌کند و توجه خواننده را به هنر متن جلب می‌کند.

۲- برجسته سازی

زبان، امری خودکار و روان است و توجه انسان را به چیزی جلب نمی‌کند و انسان را به درنگ کردن بر جزیی وا نمی‌دارد اما لغات، واژه‌ها و عبارت‌های غیر منتظره و برجسته سازی در زبان عادی و خودکار وقفه ایجاد می‌کند و خواننده را به تأمل وا می‌دارد. و توجه او را از موضوع به سوی تکنیک‌های زبانی و بیانی جلب می‌کند به گونه ای که می‌توان گفت مهمترین کارکرد زبان شاعرانه ویران کردن زبان معیار و در هم ریختگی آن است. (احمدی، ۱۳۸۶، ۱۲۱)

بنابراین برجسته سازی، فرآیندی آگاهانه است و شاعر کلمات را با دقت در صورتی تازه در کنار هم می‌چیند. او بیش از این که به محتوا توجه داشته باشد به گزینش و ترکیب کلمات توجه می‌کند و سعی دارد تا با اسلوب بیانی خاص خود به عوامل برجسته ساز دست یابد.

با توجه به چنین تعریفی می‌توان گفت راههای شناخته شده تمایز زبان یا رستاخیز کلمات دو گروهند: موسیقایی، زبانشناختی. گروه موسیقایی عوامل شناخته شده ای از قبیل انواع وزن، قافیه، ردیف،... است و گروه زبانشناختی مجموعه عواملی است که به اعتبار تمایز نفس کلمات بیرون از خصوصیات موسیقایی آنها موجب تمایز زبان

می‌شود. این گروه شامل مواردی استعاره، مجاز، کنایه، آشنائی زدایی، ترکیبات زبانی می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ۷-۸)

به عقیده لیچ^۱ زبانشناس برجسته سازی به دو شکل امکان پذیر است: ۱- قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود (هنجارافزایی)

۲- نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار انحراف صورت پذیرد (هنجارگریزی). (فرضی، ۱۳۸۹، ۱۲۵۵-۱۲۵۶)

بدین وسیله شاعر به هنجارهای خودکار شده زبان که دیگر قادر به انتقال زیبایی و شگفتی نیستند خاتمه می‌دهد و با بینشی آینده نگر و با میل به زیبایی به خلق آثار می‌پردازد و فضائی نو را مقابل خواننده ایجاد می‌کند.

۲-۱ هنجارافزایی

هنجارافزایی یا قاعده افزایی افزودن قواعد اضافی بر قواعد زبان هنجار است و ماهیت اثر را از نثر به نظم تغییر می‌دهد و نشانگر توانایی شاعر در بهره گیری از ظرفیت‌های زبانی است.

هنجارافزایی چیزی نیست جز توازن در وسیع ترین مفهوم خود و این توازن از طریق تکرار کلامی حاصل می‌آید. افزودن وزن عروضی و قافیه، تکرار واج‌ها و واژه‌ها و جمله در چارچوب آن قرار می‌گیرد. (روحانی، عنایتی قادیکلایی، ۱۳۸۸، ۶۷)

باید توجه داشت که قاعده افزایی بیش از آن که باعث برجسته سازی شود باعث پیوسته سازی می‌گردد چرا که قاعده افزایی در نهایت باعث تبدیل نثر به نظم می‌شود و

نظم کلامی است موزون و پیوسته. (www.bashgahonar.ir)

^۱) Geoffrey leech (۱۹۳۶)

۲-۲ هنجارگریزی

فرق اساسی بین متن ادبی و متن عادی، غیر از خیال‌انگیزی، کاری است که شاعر روی زبان انجام می‌دهد. این کار هر قدر هنرمندانه تر باشد، کلام نیز زیباتر می‌شود. در زبان‌های ادبی، ساختارهای غیر متعارف وجود دارد و معمولاً هنجارهای زبان معیار رعایت نمی‌شود. ممکن است این هنجارگریزی به سبب جابه‌جایی کوچکی در ساختار جمله باشد، اما تأثیر و احساس عجیبی را به خواننده منتقل می‌کند. هنجارگریزی گریز از قواعد زبان معیار و انحراف از نرم زبان هنجار می‌باشد. اما منظور از هنجارگریزی هرگونه انحراف از زبان هنجار نیست، زیرا برخی از این انحرافات تنها به ساختی غیر دستوری منجر می‌شود و هیچگونه زیبایی ندارد. (صفوی، ۱۳۷۳، ۵۱) بلکه هنجارگریزی زمانی مقبول واقع می‌گردد که بر اصل رسانگی (ایصال) و زیباشناسی (استتیک) استوار باشد. www.bashgahonar.ir

هنجارگریزی را به انواعی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: ۱- واژگانی ۲- نحوی ۳- آوایی ۴- نوشتاری ۵- معنایی ۶- گویشی ۷- سبکی ۸- زمانی (صفوی، ۱۳۷۳، ۴۶)

درآمد

نزار قبانی بزرگ‌ترین عاشقانه سرا و شناخته‌ترین شاعر در ادبیات معاصر عربی است که به سبب موضوع و شیوه بیان از شهرت و اعتبار ویژه‌ای در بین مردم برخوردار گشته است و بسیاری از اشعارش به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. او در سال ۱۹۲۳ در دمشق متولد شد. در آغاز غزل را دست‌مایه کار خود قرار داد و سپس شعر اجتماعی و سیاسی را تجربه کرد. (مزروعی، ۱۳۸۳، ۷۲)

پس از جنگ جهانی دوم بر اثر روابطی که میان کشورهای عربی و اروپایی وجود داشت، مردم خواستار تغییر اوضاع و اصلاح اجتماعی، فرهنگی، ادبی،... بسیاری از

رسوم و آراء کهن خود شدند نزار نه تنها از شرایط موجود بی بهره نبوده بلکه شرایط جامعه سبب گردید تا وی دست به تغییراتی در قالبهای کهن شعر عربی بزند تا بتواند آن را در فریبایی و اثربخشی به پایه آثار شعر و نثر اروپایی برساند.

او علاقه وافری به زبان اسپانیایی داشت و معتقد بود کلمات اسپانیایی در خوش آهنگی بر اصل عربی برتری دارند. (قبانی، ۱۳۵۶، ۴۸) نزار با تأثیرپذیری از زبان انگلیسی و فرانسه توانست زبان شعرش را ارتقاء ببخشد. به گونه ای که استفاده از کلماتی چون کوریدا، فلامنکو، میکل آنژ، آسانسور، بیانو، موزارت، گیتار،..... که اصل وریشه ای اسپانیایی، فرانسوی و انگلیسی دارد دال بر همین مورد است

عذرا پاوند^۱ پدر مکتب شعر آزاد، امین نخله که در شعرش بیشتر خصوصیات مدرسه برناسی وجود دارد و به لفظ و صورت شعری که برمی گزید توجه فراوان می کرد و همچنین ایلیا ابوماضی که شعرش را از قیود قدیمی آزاد کرد بر نزار تأثیر فراوان گذاشتند. (خلیل جحا، ۱۲۹۹، ۱۱۲)

او معتقد بود شعر و نثر باید دارای عناصر و ساختاری جدید باشد و پیروی بی تفکر و تأمل از پیشینیان را نمی پسندید، بلکه خواستار این بود که ادیب با شناخت صحیحی که از ادبیات دارد به ایجاد تغییراتی در میراث ادبی کهن بپردازد از این رو، هنجار گریزی نزار قبانی در «قالت لی السمراء» که از نظر شکل و مضمون خروجی از شیوه مکتب کلاسیک شعر عربی بود. (الفاخوری، ۱۹۸۶، ۶۸۷) و در «هوامش علی دفتر النسکه»، «الممتلون»، «الاستجواب» که رهایی از آرایش های بلاغت قدیم را با خود به همراه داشت مشهود است. (قبانی، ۱۳۵۶، ۴۳) و نشان می دهد وی آثار پیشینیان را بی تفکر نمی پسندد.

^۱) Ezra pound (۱۸۸۵-۱۹۷۲)

۳- انواع هنجارگریزی در اشعار نزار قبانی (تجزیه و تحلیل):

۳-۱ هنجارگریزیواژگانی:

واژگان و الفاظ ماده اصلی شعرویکیازعوامل زیبایی و تاثیر آن میباشند زیرا موسیقی، آهنگ و بروز احساسات شاعر در بسیاری از موارد از الفاظی است که بکار گرفته میشود. در ادبیات آن دسته از آثار مهم اند که شاعر و ادیب بتواند با ذوق خویش از واژه‌ها و عبارات جدید در آن استفاده کند به گونه ای که متفاوت از قبل باشد. این واژگان جدید جایگزین مفهومی مبسوط گشته آرام آرام جذب زبان می‌شود و پس از مدتی ارزش و زیبایی اولیه خود را از دست می‌دهد.

هنجارگریزی واژگانی براساس آفرینش واژگان جدید با گریز از شیوه‌های معمولی ساختن واژه‌ها در زبان هنجاری رخ می‌دهد. این نوع هنجارگریزی بر شکوه، طنطنه، شگفتی و تأثیر شعر می‌افزاید. (سنگری، ۱۳۸۱، ۵)

۳-۱-۱ واژگان:

شاعران معمولاً واژگان خاصی دارند به عبارت دیگر هر شاعر تحت تاثیر افکار، عقاید، محیط اجتماعی و قالب شعر خود با برخی از واژگان انس بیشتری دارد و در آثارش آن واژگان را به کار می‌گیرد به گونه ای که کاربرد آن واژگان مختص شعر او می‌گردد و به ندرت میتوان استعمال آن واژگان را در آثار دیگر شاعران یافت. یکی از راههای رسیدن به بسط دایره واژگانی ایجاد بستر گسترده تر می‌باشد شعری که به شعر نگرش زبانی دارد در چنین بستری می‌تواند به هستی و هر چه در آن است بپردازد. قبانی در شعر خود از واژگان بسیاری استفاده کرده است که در نزد خواننده غریب می‌نماید و او را به دقت بیشتر وا می‌دارد. او با شناختی که از زبان و فرهنگهای مختلف داشت توانست بر غنای دایره واژگانی شعر خود بیفزاید.

- «دونیا»: تمزقنی.. دونیا ماریه

بعینین اوسع من بادیه (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۷۱)

۲-۱-۳ ترکیبها:

از در هم آمیختن و برخورد واژه‌ها باهم ترکیب به وجود می‌آید. این ترکیبها، علاوه بر اینکه کلمات تشکیل دهنده خود را از حالت عادی و معمول خارج می‌کنند در بسیاری از موارد معنایی متفاوت از اجزای سازنده خود دارند پس معناهایی که ما در زبان می‌یابیم معناهایی رابطه‌ای محسوب می‌شوند که در اثر آمیزش در نظام زبان پدید می‌آیند.

تصرف شعر در گزینش و ترکیب واژگانی است که ایجاد ارزش‌های هنری و عاطفی می‌کند، زیرا صرفاً تغییر واحدهای زبانی در این محورهاست که ساخت هنری را به وجود می‌آورد و سبب برجسته‌سازی واژگانی در ساختار شعر می‌شود. (امامی، ۱۳۸۲، ۲۷)

قبانی در این زمینه طبع آزمایی کرده است و با خلق ترکیبهای جدید بر بار بدعت کلام خود افزوده است.

- «حضاره التعب»: عرفت حضاره التعب

- «سور القمر»: الم تقرایها بخط یدی

فوق سور القمر

- «سریر بکاء»: من یملکون سریر بکاء (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۲۴، ۱۸، ۱۰۴)

۳-۱-۳ عبارات:

از به هم پیوستن چند ترکیب، یک یا چند جمله، عبارت به وجود می‌آید. عبارات جدید نه تنها به نوشتن زبان شاعر می‌انجامند، بلکه در تصویرسازی و معناآفرینی بیشترین سهم را دارند. در حقیقت هر عبارت، حاصل تجربه ذهنی شاعر یا نویسنده و وسیله‌ای برای انتقال این تجربه به دیگران است. ذهن شاعر یا نویسنده به کمک نیروی

بررسی هنجارگریزی دربخشی از اشعار نزار قبانی

تخیل ارتباط‌هایی تازه بین انسان و اشیای اطراف او کشف می‌کند و این کشف که حاصل تصرف شاعر در مفاهیم عادی زندگی است به وسیله عبارات جدید به خواننده منتقل می‌شود. نزار قبانی نیز با گریز از قواعد ساخت واژه زبان هنجار دست به آفرینش تعابیر جدیدی زد که نشانگر تجربه مندی و خلاقیت اوست.

- «قهقهات صنوج الخشب»: تستیظ الحانه الغافیه

علی قهقهات صنوج الخشب

- «نجمه صیف علی کتفیک»: تعودت اترکه یا حییبی

کنجمه صیف علی کتفیک (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۷۵، ۱۱۸)

۴-۱-۳ کاربرد اسامی اشیاء خاص زنان:

نزار قبانیدر شعر خود نام بسیاری از وسایل مربوط به زنان را آورده و با این شیوه توانسته زبان شعرش را برجسته سازد، زیرا کمتر شاعری را می‌توان یافت که به مانند نزار به وسایل خاص زنان پردازد. او در فضای پراکنده‌های از شعرش دربارهٔ عطر، حریر، گوشواره، سرمه، بادبزن، دستبند، انگشتر،... سخن می‌گوید که این خود به نوعی شناخت وی از زن، روحیات، تمایلات او را می‌رساند.

- «مراوح ریش، کحل، عطر»: تریدین مثل جمیل النساء

مراوح ریش

کحلا

وعطرا

- «القرط»: يتألق القرط الطویل بجیدها (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۰۱، ۱۸۴)

۲-۳ هنجارگریزی نحوی:

هر زبانی قواعد نحوی خاص خود را دارد که اهل آن زبان ملزم به رعایت آن قواعد می‌باشند اما گاهی قواعد نحوی حتی در زبان معیار رعایت نمی‌شود و این ناهنجاری به

نقد ادب معاصر ادبی

طبع در زبان ادبی وارد می‌شود و شاعر می‌تواند بنا به ضرورت از آن استفاده کند. شاعر می‌تواند با جابه‌جا کردن عناصر سازنده جمله از قواعد نحوی زبان هنجارگریز بزند و زبان خود را متمایز کند. این نوع، دشوارترین نوع آشنائی زدایی است که در قلمرو زبان رخ می‌دهد، زیرا امکانات نحوی هر زبان و حوزه اختیارات نحوی هر زبان محدودترین امکانات است. (فرضی، ۱۳۸۹، ۱۲۶۵)

نزار قبانی نیز با جسارت و به دنبال میل به نوگرایی و اصلاح بسیاری از اصول گذشته به نادیده گرفتن قواعد نحوی زبان عربی پرداخت. وی واژه «جداول» که از اسماء غیر منصرف به شمار می‌آید را در عبارت زیر به کار برده که مبین مخالفت با قواعد نحوی است.

تسیل منه جداوئو ظلال

وی واژه «مارد» که می‌بایست در حالت مجرور، تنوین جر بگیرد را به صورت مکسور آورده است.

ذات المفکره الصغیره..اعذری

ما عاد ماردک القدیم بمارد (قبانی، ۱۹۸۰، ۶۱، ۳۹)

۳-۳ هنجارگریزی معنایی:

شاعر و ادیب برای اینکه بتواند به اثرش روح هنری بخشد، باید سعی کند با استفاده از شگردهایی خاص بر پیچیدگی و کثرت معنوی آن متن بیفزاید و معنا را برای همیشه به تعویق بیناندازد. هنجارگریزی معنایی انحراف از قواعد معنایی حاکم بر زبان هنجار است.

حوزه معنی به عنوان انعطاف پذیرترین سطح زبان، بیشتر از دیگر سطوح در برجسته سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (صفوی، ۱۳۷۳، ۸۴) به گونه ای که می‌توان گفت عامل اصلی شعرآفرینی هنجارگریزی معنایی است، زیرا دال‌های زبانی از

مدلول‌های آشنا و پذیرفته شده شان جدا می‌شوند و مدلول‌های جدیدی در ذهن مخاطب حاضر می‌شود. از مهم‌ترین عناصر این نوع آشنایی زدائی تشبیه، استعاره، تشخیص، پارادوکس، حس آمیزی و... هستند و قبانی در شعر خود فراوان از آنها در جهت آشنائی زدایی بهره جسته است. و توانسته با اتکا به همین هنجارگریزی معنایی و با کاربرد استعاری زبان به زیبایی و ایجاز درکلام دست یابد.

۱-۳-۳ تشخیص:

از دیرباز انسان سعی در شناخت خود داشته و سعی می‌کرده محیط اطراف خود را در قالب انسان بشناسد و توصیف کند از این رو صفات و خصایص انسانی را به موجودات غیر ذیروح منسوب می‌کرد

تشخیص عبارت است از جان بخشیدن به اشیای بی جان، به این صورت که احوال، رفتارهای انسانی را به آن شی نسبت دهیم تشخیص که نوعی اسناد مجازی و از مباحث فن بیان است در ادبیات عربی، مانند سایر زبان‌ها، به فراوانی به کار می‌رود. قبانی نیز با استفاده از تشخیص توانست به اشیاء پیرامونش حس و حرکت ببخشد او آنها را در تکاپو همچون انسان می‌داند و با نگاهی ظریف و هنرمندانه در آنها می‌نگرد.

والزرکشات علی السقوف تنادی

- كما یضحک الضوء فی الآئیه

- دخان سجائری یضجر (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۸۴، ۱۷۳، ۱۲۴)

- صدا کردن پارچه‌های ابریشمی

- خندیدن نور

- دلتنگ شدن دود سیگار

۲-۳-۳ پارادوکس:

خواننده با خواندن شعر به دنبال حقیقت نیست، آنچه در شعر اهمیت دارد زبان است، زبانی که تا حدی متناقض باشد تا بتواند خواننده را در تلاطم درک مفهوم درگیر کند.

پارادوکس بدین معنی که شاعر تناقضی را در بین عناصر یک جمله یا در یک ترکیب می‌آورد. اگر از نظر منطقی عیب است و پوچ و بی معنی به نظر می‌آید اما همین معنی پوچ ظاهری حقیقتی را در خود نهان دارد و این تناقض ظاهری مفهوم جمله، باعث تعمق خواننده و کشف مفهوم زیبای پنهان در آن می‌شود. قبانی از این تناقض‌ها در اشعار خود آورده است و توانسته بر ادبیت آثار خود بیفزاید.

فی دمک اغتسلت

یغسل بالخمیر رجلیک

(قبانی، ۱۹۸۰، ۱۵۷، ۹۹)

پاک کردن با خون که خود ناپاک است

پاک کردن با شراب

۳-۳-۳ استعاره

اساس استعاره بر جایگزینی هویت عاریه‌ای به جای هویت حقیقی پدیده و همانندسازی موقتی استوار است و بلاغت استعاره در این است که صورت تازه‌ای را در خیال مخاطب نقش می‌زند که گیرایی آن صورت، تشبیه پنهان و پوشیده در دل کلام را از یاد مخاطب می‌برد. (عرفان، ۱۳۸۵، ۱۹۸)

بسیاری از استعاره‌ها، حاصل خلاصه شدن تشبیهات هستند، بدین ترتیب کلمه‌ای که در استعاره به کار می‌رود حاوی معنی وسیع و گسترده‌ای است که درک آن به عهده خواننده است این شیوه از آنجا که می‌تواند ذهن خواننده را برای یافتن جزء محذوف

بررسی هنجارگریزی دربخشی از اشعار نزار قبانی

درگیر کند، اعتبار و ارزش والایی دارد. قبانی در اشعارش از استعاره‌های متفاوتی برای تشبیه آنچه در ذهن داشت استفاده کرده است. و عمده استعاره‌های وی از معشوق می‌باشد.

«مُلکی»، «مُلکا لآخرین»، «حلوئی»، «اجینا الجیناء»، «کلیو بترا»، «شهر زاد النساء» (قبانی، ۹۹، ۱۰۱، ۱۵۳، ۵۱، ۱۳۹، ۱۹۸۰)

۴-۳-۳ تشبیه

تشبیه کشف و یادآوری شباهت بین دو چیز یا دو امر متفاوت است این کشف حاصل دقت و موشکافی شاعر یا ادیب می‌باشد او با همانند ساختن پدیده ای به پدیده ای دیگر سعی بر آن دارد تا معانی و ظرایف نهفته پدیده‌ها را آشکارا به تصویر کشد دور را نزدیک می‌سازد، بدین ترتیب بر شگفتی مخاطب نیز می‌افزاید و او را مسحور هنر خود می‌کند. در هر حال درک زیبایی تشبیه، بستگی به شناخت هنری و ذوق و قریحه مخاطب دارد. از آنجایی که تشبیهات تکراری از ارزش شعر می‌کاهند از اینرو شاعران سعی دارند که با استفاده از تشبیهات جدید زبان شعر خودشان را برجسته سازند این شیوه سبب گردید که زبان شعری نزار برجسته و هنرش متعالی گردد.

- و حباً کافراخ العصافیر

- قلبی کمندیل سفر

- ولا تزال لفظه العروبه

کرهره حزینه فی آنیه

- یاتی الیّ الحزن من مغاره المساء

یاتی کطفل شاحب غریب (قبانی، ۲۷، ۱۸۰، ۵۳، ۷۵، ۱۹۸۰)

تشبیه عشق به جوجه‌های گنجشک

نقد ادب معاصر ادبی

تشبیه قلب به حوله سفر

تشبیه کلمه عربی به شکوفه اندوهگین در آینه

تشبیه اندوه به کودک رنگ پریده غریب

۳-۳-۵ حس آمیزی

در بسیاری از موارد با یک حس نمی‌توان زیبایی پدیده‌ای را درک کرد و خصایصش را، آن گونه که شایسته است به تصویر کشید. از این رو شاعر و ادیب باید بتواند با آمیزش حواس متفاوت به حسی برتر از هر یک از حواس پنجگانه انسانی برای درک موضوعات و پدیده‌ها دست یابد. حس آمیزی آمیختن دو یا چند حس در یکدیگر می‌باشد در گذشته ادیبان عربی به حس آمیزی نپرداخته‌اند بلکه این اصطلاح اخیراً وضع و متداول شده است و یکی از پرسامدترین ابزارشعرافرینی در میان شاعران نوگرا می‌باشد. نزارقبنانی با استفاده از این آرایه ادبی زبان شعر خود را اعتلا بخشیده است.

«مملکة من عبیر»، «ففی الظل یغدو لعطرک صوت»

«کلاماً ناعماً»، «صوتک المبحوح خنجر»

«ضوء مسموع» (قبانی، ۱۹۸۰، ۲۴، ۵۷، ۱۳۵، ۳۴)

۳-۴ هنجارگریزی سبکی

اساس آفرینش ادبی بر رهایی از تقلید استوار است آفرینش‌ها از قالب سبک‌های موجود می‌گیرند و سبکی پدید می‌آورد که با آن زبان از یکنواختی رهایی می‌یابد.

اگر شاعر از گونه نوشتاری معیار به ساخت نحوه گفتار گریز بزند، به هنجارگریزی سبکی دست زده است. کوچکترین بی‌دقتی یا شتاب زدگی در گریز از هنجار نوشتار به گفتار یا بر عکس، به افول و نزول شعر می‌انجامد. ارزش این هنجارگریزی از چند منظر قابل بررسی است:

بررسی هنجارگریزی در بخشی از اشعار نزار قبانی

۱- تغییر فضا در شعر ۲- تغییر موسیقی شعر ۳- ایجاد صمیمیت در فضای شعر (سنگری، ۱۳۸۱، ۶)

سبک شعری نزار بدین گونه است که شعرش به زندگی عموم مردم نزدیک است و لغات اشعارش آسان است و در کمتر مواردی نیاز به دائرة المعارف دارد و معانی کاملاً واضح است. (مزروعی، ۱۳۸۳، ۷۲)

نزار تصویرگر شرایط عامه مردم است که با فقر و تهی دستی به سر می‌برند

-انا عامل من دمشق..فقیر

-اجری بسیط

-و زوج تخیط ثقوب ردائی (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۰۲، ۱۰۳)

۳-۵ هنجارگریزی گویشی

شاعر وادیب برای یادآوری حال و هوا و مکان و صحنه‌ها از تمهیداتی مدد می‌جوید و با استفاده از این امکانات، دایره زبانی خود را نیز وسعت می‌بخشد.

اگر شاعر ساخت‌هایی را از گویش خویش وارد شعر کند، از این سطح از هنجارگریزی استفاده کرده است. استفاده از واژگان محلی، مخاطب را با فضا و مکان شعر و شاعر آشنا تر می‌کند و میزان تعلق شاعر را به محیط بیان می‌کند. (سنگری، ۱۳۸۱، ۷)

شاعر با استفاده به جاز و واژگان محلی نه تنها مخاطب را به فضایی ساده و روستایی می‌برد و با او ارتباط بهتری برقرار می‌کند بلکه به بقا و ماندگاری آن واژگان نیز کمک می‌کند. نزار قبانی در شعرش با استفاده از واژگان محلی کشورش توانست تنوعی در فضای شعرش ایجاد کند و آن را به چشم مخاطب دلنشین تر بنماید.

- «الزعترا، لیلکه»: و خبء فی ملبسه

طرابینا من النعناع و الزعترا

۳-۶ هنجارگریزی زمانی (باستانگرایی)

تغییر و تحول زبان، امری مداوم و همیشگی است. همواره کلمات و ساختارهایی از قلمرو زبان خارج می‌شوند و کلمات و ساختارهایی جدید جایگزین آنها می‌شود. البته این تغییر در طول سالیان دراز رخ می‌دهد. شاعر می‌تواند تنها پایبند به زبان هم عصران خود نباشد بلکه اثرش را با نگاهی به گذشته خلق کند او با برهم زدن توالی زمان و بهره گیری از تداعی، خواننده را به تعمق وادارد خواننده در پی فکر کردن به معنی واژگان مراد شاعر را در می‌یابد و این خود با لذت همراه است. باستانگرایی به کار بردن عمدی کلمات مهجور و ساختارهای دستوری قدیم است و نشانگر وسعت اطلاعات شاعر می‌باشد.

. باستانگرایی به سه دسته تقسیم می‌شود: باستانگرایی واژگانی، باستانگرایی نحوی،

باستانگرایی باورها (www.google.com)

به کارگیری باستانگرایی نیازمند دقت بسیاری از سوی ادیب یا شاعر است، زیرا ممکن است استفاده نابه جا از باستانگرایی به نزول شعر بیانجامد. یکی دیگر از ویژگی‌های شعر قبانی، کاربرد آرکائیک زبان است که به زبان شاعر تشخص بخشیده است. باستانگرایی در شعر او در حوزه واژگانی بیش از دیگر حوزه‌ها مشهود است و تشخص شعری بیشتری دارد.

۳-۶-۱ باستانگرایی واژگانی

استفاده از واژگان کهن در این اثر ادبی را باستانگرایی واژگانی گویند. این نوع باستانگرایی از این رو که سبب احیای واژه‌های بی کاربرد و دور افتاده می‌شود بسیار ارزشمند است. قبانی باین که از شاعران معاصر عربی می‌باشد، اما در اشعار خود نام تعدادی از شاعران جاهلی چون امر و القیس، مهلهل،... را آورده و این نشانگر این است

بررسی هنجارگریزی در بخشی از اشعار نزار قبانی

که شاعر نسبت به متون و ادبیات کهن نیز توجه داشته است و پاره ای از واژگان مربوط به آن دوران را در شعر خود آورده که به شعرش حال و هوایی کهن و متفاوت بخشیده است.

- تردلی الطعنات بالطعنات

- تعبت من خیلی ومن غزواتی

- قدّموا مهراً لها

قوافل العبید و الذهب (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۵، ۱۳، ۸۵)

۲-۶-۳ باستانگرایی نحوی

اگر شاعر از ساختارهای نحوی کهن در جهت آرکائیک نمودن زبان خود بهره جوید، این سطح از باستانگرایی را به کار گرفته است. از ویژگی‌های نحوی شعر معاصر عرب، شکستن نرم نحوی زبان معیار و تبعیت از بافت‌های نحوی ادب کهن می‌باشد نزار قبانی گهگاهی از ساختار نحوی گذشته در آثار خود استفاده کرده است و این به نوعی شناخت وی از قواعد نحوی گذشته را می‌رساند، قواعدی که شاید قرن‌ها پیش مستعمل بود.

از قواعدی که در گذشته مستعمل بود این است که فعل و حرف را بعد از حرف ندا می‌آورند و نزار در شعر خود از این قاعده کهن مثال آورده است.

- یا لیت وارثی الجمیله ادرکت

ان الذین عنتم اجدادی

- یا له منطلق النساء امثلی

يقبل الآن ان یکون صدیقا (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۸۵، ۱۴۱)

۳-۶-۳ باستانگرایی باورها

این نوع باستانگرایی اشاره به باورها و اعتقادات کهن دارد و خواننده را سالها و قرن‌ها به عقب بر می‌گرداند. تلمیح یکی از شیوه‌هایی است که شاعر و نویسنده با استفاده از آن به این نوع از باستانگرایی دست می‌یابد.

تلمیح اشاره به داستان‌ها یا شعر مشهور یا ضرب المثل است (عرفان، ۱۳۸۵، ۳۷۸) قبانی در شعر خود به داستان‌ها و روایت‌های مذهبی، تاریخی اشاره داشته است و عمده اشارات و تلمیحات وی برگرفته از فرهنگ اسلام می‌باشد که خود به نوعی نشان از تعلق خاطر وی به پیشینه اسلام و اعراب دارد.

اشاره به داستان حضرت موسی

- لست نبیا من الانبیاء..

لالقی عصای..

فینشق بحر (قبانی، ۱۰۰، ۱۹۸۰)

اشاره به داستان حضرت سلیمان

- تریدین مثل جمیع النساء کنوز سلیمان (همان، ۹۸)

۳-۷ هنجارگریزی نوشتاری

یکی از تمهیداتی که شاعر از آن بهره می‌جوید تا زبان اثرش را نا آشنا کند این است که از تصاویر بهره ببرد شاعر از طریق تصاویر، مفهوم یا اندیشه‌ای آشنا را در ظاهری بر خلاف عادت بیان می‌کند که چه بسا از خود آن مفهوم دیر یابتر باشد.

هنجارگریزی نوشتاری به این معنی که کلمات یا مصراع‌ها در یک اثر ادبی طوری تنظیم می‌شوند که تصویری مشخص را بر روی صفحه کاغذ ایجاد می‌کند. نام دیگر این سطح از هنجارگریزی، شعر نگاره یا شعر تجسمی است. (سنگری، ۱۳۸۱، ۷)

بررسی هنجارگریزی دربخشی از اشعار نزار قبانی

درست خواندن شعر، انتقال احساس و اندیشه، دیداری کردن شعر، نشان دادن فاصله‌های زمانی و مکانی و برجسته سازی تصاویر از مهمترین کارکردهای این هنجارگریزی است (صالحی نیا، ۱۳۸۲، ۸۳-۹۴)

در ادبیات معاصر عربی‌شماری از شاعران به این شیوه اقبال نشان داده اند. بدر شاکر السیاب در یکی از شعرهایش با عنوان سرود باران از این تجربه بهره برده است. او با شیوه خاص نگارشش توانسته تصویری از باریدن باران و صدای حاصل از ریزش آن را در خواننده ایجاد کند و با شگردی خاص او را به آن فضا ببرد.

- انشودة المطر

مطر...

مطر...

مطر... (اسوار، ۱۳۸۱، ۱۳۲)

هر چند نزار قبانی از هنجارگریزی نوشتاری کمتر استفاده کرده است اما با همین موارد اندک توانسته بر زیبایی اثرش بیفزاید.

وی با به کار گیری این نوع از هنجار گریزی فاصله زمانی سالها را برجسته ساخته است.

- یا صداعا عاش فی راسی

سنینا.. وسنین (قبانی، ۱۹۸۰، ۱۳۵)

۳-۸ هنجارگریزی آوایی

خواننده با خواندن شعر به دنبال تلفظ متعارف واژگان نیست بلکه او در پی لذت است لذتی که از هماهنگی موسیقایی واژگان حاصل می‌آید از اینرو شاعر باید بتواند با عبور از هنجارهای زبان معیار به قانونمندی و هنجارهای فراتر دست یابد بدین وسیله طنین و دوام سخن افزون تر شود و در جان مخاطب اثر بخشد.

هنجار گریزی آوایی عبارت است از گریز از قواعد آوایی زبان هنجار و به کار گیری صورتی که از نظر آوایی در زبان هنجار متداول نیست. (صفوی، ۱۳۷۳، ۷۹)

تحولاتی نظیر تشدید، تسکین، ادغام، اشباع،... در این بخش قرار می‌گیرند به شرط آنکه تمامی آنها در جهت حفظ جلوه‌های موسیقایی شعر به ویژه وزن و قافیه به کار گرفته شود. (محسنی، صراحتی جویباری، ۱۳۸۹، ۷)

هر چند قبانی از جمله شاعران عربی بود که شکل و ساختار قصیده را از قید و بند قافیه آزاد کرد اما او در برخی از اشعارش بر طریق قدما گام نهاده است و وزن و قافیه را رعایت کرده است. (مزروعی، ۱۳۸۳، ۷۲-۷۳)

او در اشعار خود با استفاده از قاعده تشدید و تسکین و اشباع توانسته بر تشخیص زبانی اثرش در حوزه موسیقایی بیفزاید.

۱-۸-۳ تشدید

توازن جملات یا مصراع‌های یک شعر مسبب انفعالات مخاطب است شاعران با تغییراتی که در تلفظ واژگان می‌دهند علاوه بر اینکه به این توازن دست می‌یابند به عواطف و احساسات مخاطب نیز نظم می‌بخشند. یکی از تحولاتی که به حفظ جلوه‌های موسیقایی شعر میانجامد تشدید است. تشدید یعنی مشدد کردن حروف غیر مشدد. هر چند تشدید کم بسامد ترین نوع هنجار گریزی آوایی در شعر نزار قبانی می‌باشد اما او با استفاده از این قاعده توانسته به پاره ای از ویژگی‌های سبکی در بخش موسیقایی شعر دست یابد.

-یتساقط ثلجٌ فی تمّوز

و مراکب حبلی بالفیروز (قبانی، ۱۹۸۰، ۳۵)

۲-۸-۳ تسکین صفت

از دیگر امکاناتی که می‌توان از آن در جهت حفظ نظام عروضی شعر یاری جست تسکین صفت می‌باشد شاعرانی که از ورزیدگی در حوزه موسیقایی برخوردار باشند در بهره‌گیری از این تحول آوایی موفق هستند. در میان دوره‌های مختلف ادب عربی بیشترین کاربرد این تحول مربوط به دوره معاصر می‌باشد. نزار قبانی نیز با به کار گیری این خصیصه به اعتلای موسیقایی شعر خود کمک کرده است.

- أشعر أن حبنا

حماقة كيرة^۰

و أنني حاوٍ من الحواء

يُخرج من جيو به الارانب المثيره^۰

- لعله في الستة الجديدة^۰

ايتها الحبيبة البعيدة^۰ (قبانی، ۱۹۸۰، ۶۵، ۹۲)

۳-۸-۳ اشباع

یکی دیگر از تحولات آوایی زبان اشباع می‌باشد و عبارت است از تبدیل مصوت‌های کوتاه به مصوت‌های بلند متناسب با آن (محسنی، صراحتی جویباری، ۱۳۸۹، ۸)

نزار بنا بر ضرورت‌های وزنی از این شیوه بهره برده است و به تکمیل و تاثیر موسیقایی شعر خود و گوش نوازی آن کمک کرده است. عرفتک من عامین... ینوع طیه

و وجها بسیطا کان وجهی المفضلا

- حاذری ان تقعی بین بدیا

ان سمی کله فی شفتیا (قبانی، ۱۹۸۰، ۷۵، ۶۷)

نقد ادب معاصر ادبی

تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتایج داده‌ها:

هنجارگریزی واژگانی

| درصد | تعداد | انواع |
|-------|-------|-----------------------------|
| ۱/۹۶ | ۱۳ | واژگان |
| ۴/۲۳ | ۲۸ | ترکیبها |
| ۲۰/۲۷ | ۱۳۴ | عبارات |
| ۳/۳۲ | ۲۲ | کاربرد اسامی اشیاء خاص زنان |

| | | |
|-------|----|-----------------|
| ۱۰/۵۹ | ۷۰ | هنجارگریزی نحوی |
|-------|----|-----------------|

هنجار گریزی معنایی

| | | |
|-------|----|-----------|
| ۱۱/۴۹ | ۷۶ | تشخیص |
| ۵/۹۰ | ۳۹ | استعاره |
| ۱۰/۱۳ | ۶۷ | تشبیه |
| ۰/۹۰ | ۶ | پارادوکس |
| ۳/۰۲ | ۲۰ | حسن آمیزی |

| | | |
|------|----|-----------------|
| ۵/۷۴ | ۳۸ | هنجارگریزی سبکی |
|------|----|-----------------|

بررسی هنجارگریزی دربخشی از اشعار نزار قبانی

| | | |
|------|----|------------------|
| ۲/۱۱ | ۱۴ | هنجارگریزی گویشی |
|------|----|------------------|

هنجار گریزی زمانی

| | | |
|------|----|---------------------|
| ۵/۹۰ | ۳۹ | باستانگرایی واژگانی |
| ۱/۵۱ | ۱۰ | باستانگرایی باورها |
| ۰/۹۰ | ۶ | باستانگرایی نحوی |
| .۹۰ | ۶ | هنجارگریزی نوشتاری |

هنجار گریزی آوایی

| | | |
|------|----|-----------|
| ۴/۸۴ | ۳۲ | تسکین صفت |
| ۰/۱۵ | ۱ | تشدید |
| ۶/۰۵ | ۴۰ | اشباع |

۴- نتیجه گیری

همانطور که گفته شد یکی از شیوه‌های برجسته ساز در آثار ادبی، هنجارگریزی است. هنجارگریزی در اشعار نزار قبانی نتیجه شرایط جامعه و در پی آن میل او به تجدد است. این میل به نوگرایی در آثار نزار با غرابت و ایجاد شگفتی همراه است و خواننده را به تأمل بیشتر وامی‌دارد. او شاعری است که آگاهانه به گزینش و تنظیم کلمات پرداخته و به ساختار صوری اشعارش اهتمام ورزیده است. او سنت‌ها و

نقد ادب معاصر ادبی

قاعده‌ها را به طور کامل رد نمی‌کرد، بلکه خواستار تغییراتی در آنها بود. در حوزه واژگانی ترکیب‌ها و عبارت‌های جدیدی را در شعر خود آورده که نشانگر ذهن خلاق اوست. در شعرش به واژگان و ساختارهای کهن توجه داشته و توانسته زبان شعرش را آرکائیک نماید. در برخی موارد شیوه نگارشش به دیداری کردن شعرش انجامیده، گرچه این نوع هنجارگریزی در آثار نزار اندک است اما می‌توان دریافت که نزار به آن توجه داشته و از آن غافل نبوده است. او با آوردن کلماتی از گویش محلی خود میزان تعلقش را به فرهنگ و سرزمینش بیان داشته است. و در حوزه معنایی بیش از دیگر حوزه‌ها درخشیده است و با به کارگیری فراوان تشبیه، استعاره، پارادوکس، حس آمیزی به شعرش رونق و زیبایی ویژه‌ای بخشیده است. قبانی از انواع دیگر هنجارگریزی نیز کم و بیش بهره برده است اما آنچه مهم است آنکه وی از هنجارگریزی در جهت ادبیت و جذاب کردن آثار خویش بهره برده است و توانسته ذوق و توانایی اش را در جهت غنای زبان به اثبات برساند.

منابع و مأخذ

- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز، چاپ نهم.
- اسوار، موسی. (۱۳۸۱). پیشگامان شعر امروز عرب، تهران: نشر سخن، چاپ اول.
- امامی، نصرالله... (۱۳۸۲). ساخت گرایشی و نقد ساختاری، اهواز نثر رسش، چاپ اول.
- خلیل جحا، میشل. (۱۹۹۹). الشعر العربی الحدیث من احمد شوقی الی محمود درویش، بیروت: دار العوده و دار الثقافه، الطبعة الاولى.
- روحانی، مسعود، عنایتی قادی‌کلایی، محمد. (۱۳۸۸). «بررسی هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی»، گوهر گویا، ۶۳-۹۰، شماره ۳.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۴). نقد شعر معاصر. امیرزاده کاشی‌ها (شاملو)، تهران: نشر مروارید، چاپ اول.

بررسی هنجارگزینی دربخشی از اشعار نزار قبانی

- سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۱). «هنجارگزینی و فرا هنجاری در شعر» رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۹-۴، شماره ۶۴.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، تهران: نشر آگاه، چاپ سوم
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). نقد ادبی، تهران: نشر فردوس، چاپ اول
- صالحی نیا، مریم. (۱۳۸۲). «هنجارگزینی نوشتاری در شعر امروز»، فصلنامه پژوهش های ادبی، ۸۳-۹۴، شماره ۱.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). از زیان شناسی به ادبیات، تهران: نشر چشمه، چاپ اول
- عباس، احسان. (۱۳۸۴). رویکردهای شعر معاصر عرب، ترجمه حبیب ا... عباسی، تهران: نشر سخن.
- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۱). نظریه های نقد ادبی معاصر، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- الفساخوری، حنا. (۱۹۸۶). الجامع فی تاریخ الادب العربی الادب الحدیث، بیروت - لبنان: دارالجمیل، الطبعة الاولى.
- فرضی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «هنجارگزینی واژه های، نحوی در شعر نیما»، مجموعه مقاله های دومین همایش ملی نیما شناسی، ۱۲۵۵-۱۲۷۵، شماره ۳
- قبانی، نزار. (۱۹۸۰). الرسم بالكلمات، الطبعة الخامسة عشر.
- ----- (۱۳۵۶). داستان من و شعر، ترجمه غلامحسین یوسفی، یوسف حسین بکار، تهران: نشر توس.
- محسنی، مرتضی، صراحتی جویباری مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی انواع هنجارگزینی آوایی و واژگانی در شعر ناصر خسرو»، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱-۲۴، شماره ۸.
- مزروعی، محدثه. (۱۳۸۳). «نزار قبانی شاعر سوریه»، مجله کیهان فرهنگی، ۷۲-۷۵، شماره ۲۱۲
- الهاشمی، احمد. (۱۳۸۵). ترجمه و شرح جواهر البلاغه، ترجمه حسن عرفان، قم: نشر بلاغت، چاپ ششم.
- قربان، پیکر. (۱۳۸۹). جزوه ادبیات معاصر قسمت اول www.google.com ۸۹/۱۰/۳

نقد ادب معاصر ادبی

- باشگاه هنرمندان جوان، (۱۳۸۹)، تحلیل ادبیات از منظر زبان و تغییرات آن در تعریف

«رفتارشناسی ادبی» ۸۹/۱۱/۷ www.bashgahonar.ir

Archive of SID

نقد الانزیاح فی اشعار نزار قبانی

اسامی نویسندگان با سمت به عربی؟؟؟

حمیدرضا مشایخی^۱

سیده زینب خدادی^۲

الملخص

العمل الادبی هو النص الذى یغیر بما یستخدم الشاعر من الاسالیب و الاعدادات اللغه المألوفه الی ان تصبح لغه غیر معتاده بطریقته جدیده و هذا الذى یمیز عنه بالتغریب. فهذا الاستخدام ینتج اللغه عن الفتها و ینتهى الی التحدید. فالانزیاح من منظور البنیوین یعد من ابرز اسالیب تحدید اللغه و تغریبها فی الشعر حیث استخدمها کثیر من الشعراء. ففی الادب العربی اثر الظروف القائمہ علی المجتمع بعد الحرب العالمیه الثانیه و تأثیر الادب الغربی وثقافه البلاد الارویبه علی العرب اهتم به کثیر من الشعراء و جعلوا لغتهم الشعریه مغایره بماکان من قبل. فمن الشعراءالنسق استخدموا الانزیاح فی تحدید اشعارهم کان نزار قبانی فهو قد خطی خطوات مهمه للانزیاح الصوتی و المعنوی و اللفظی و الصیاعی و.. فی لغته الشعریه بعد ان تأثر بالثقافه الغربیه و آدابها و نظرته النافذه الی تراث الشعر العربی. من هنا یبحث هذا المقال عن انواع الانزیاح عند قبانی فی دیوان «الرسم بالكلمات».

الكلمات الدلیلیه: التغریب، التحدید، الانزیاح، نزار قبانی.

^۱ - أستاذ فی اللغه العربیه و آدابها بجامعة مازندران

^۲ - الماجستير فی اللغه العربیه و آدابها